

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اداره كل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی

اداره آموزش و پرورش آذرشهر

دبیرستان نمونه فرزندگان

سال تحصیلی: ۹۹-۰۰

مدرس: رقیه رجبی





علوم و فنون ادبی ۳

درس ہشتم:

اختیارات شاعری (۲) وزنی

اهداف آموزشی درس

- ✓ آشنایی با اختیارات شاعری و زنی؛
- ✓ تقویت مهارت خوانش شعر بر اساس اختیارات شاعری؛
- ✓ توانایی تشخیص وزن؛
- ✓ درک زیبایی های شعر از طریق خوانش شعر و کشف موسیقی حاصل از تکرار وزن و آه ها؛
- ✓ ایجاد انگیزه برای پیدا کردن نمونه های شعری با توجه به اختیارات؛
- ✓ تقویت مهارت تشخیص اختیارات زبانی از زنی؛
- ✓ تقویت مهارت شنیداری و تشخیص شعر با توجه به اختیارات شاعری.



اختیارات وزنی در ساده ترین نوع خود چهار نوع اند

✓ بلند بودن آخرین هجای مصراع

✓ آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن.

✓ اختیار «جایه جایی» (قلب)

✓ آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه (ابدال)

نکته: اختیارات وزنی امکان تغییراتی کوچک را در وزن به شاعری دهد؛ تغییری که گوش فارسی زبانان آن را عیب نمی شمارد.



۱. بلند بودن آخرین هجای مصراع

منظور از این اختیار آن است که هجای پایان مصراع می تواند کوتاه یا کشیده باشد و شاعر آن را بلند حساب می کند. شاعر اختیار دارد به جای هجای بلند، هجای کوتاه یا کشیده بیاورد و آن را بلند حساب کند، یعنی؛ هجای پایانی مصراع ها همیشه بلند به حساب می آید و با علامت (-) نشان داده می شود چه کوتاه باشد چه بلند، چه کشیده. اگر آخرین هجای مصراع کشیده باشد (- U) علامت هجای کوتاه را از آن حذف می کنیم تا فقط (-) بماند و اگر آخرین هجا، کوتاه باشد علامت (U) آن را حذف کرده به جای آن از علامت هجای بلند (-) استفاده می کنیم. این اختیار از بسامد بالایی برخوردار است و در عروض ارزش سبک شناختی عروضی بالایی ندارد.



ای شمعش نور فلق، در قه میهای تو
 آن روح را که عشق حقیقی شمار نیست

سپانه خون شفق، پیکان خونیمای تو
 نابوده با که بودن او غیر حار نیست

ای شمعش عی - U -	نور فلق - U -	درقَب ب ی - U -	می نای ت - U -
پی ما نی - U -	خون شفق - U -	پن گان خو - U -	پی مای ت - U -
مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن

آن رو ح - U -	را ک - U -	عش ق - U -	ح - U -	قی قی - U -	ش عا - U -	ر نیست - U -
نا بو د - U -	به ک - U -	بو د - U -	ن - U -	او غی - U -	ر عا - U -	ر نیست - U -
مفعول	فاعلات	مفاعیل	فاعل			



۲. آوردن «فاعلاتن» به جای «فعلاتن»

شاعر می‌تواند به جای «فعلاتن» اول وزن «فاعلاتن» بیاورد. به عبارت دیگر، شاعر می‌تواند فقط در رکن اول مصراع، به جای فعلاتن (U U - -)، فاعلاتن (- - U -) بیاورد. البته عکس آن درست نیست؛ یعنی نمی‌تواند به جای «فاعلاتن» از «فعلاتن» استفاده کند.

دَنْ كَرْد	بِ سَنِّ قَرِيَا	كِي زِ مَا وَق	يَا دَا دَان
- U U	- - U U	- - U U	- - <u>U</u> -
دَنْ كَرْد	دِي مَا شَا	دِلِ غَمِ دِي	بِ وَ دَا عِي
- U U	- - U U	- - U U	- - U U
فعلن	فعلاتن	فعلاتن	فعلاتن



خدمتال



لطفها می‌کني، ای خاک درت تاج سرم
عهد نابستن از آن به که بیندی و نیایی
تا که با یار شکر لب، نفسی دم بزنییم
می‌خرامد چو دو صد تنگ شکر، بار دهید
پخته و خام تو را گر نپذیرم، خام

من که باشم که پر آن خاطر عاطر گذرم؟
من ندانستم از اول که تو بی‌مهر و وفایی
در فروبند، که ما عاشق این انجمنیم
می‌رسد یوسف مصری، همه اقرار دهید
خوش بنوشم تو اگر زهر نهی در جامم

۳. اختیار «جابه جایی» (قلب)

قلب: شاعر به ضرورت وزن می تواند یک هجای بلند و یک هجای کوتاه کنار هم را جابه جا کند؛ یعنی به جای یک هجای کوتاه و یک هجای بلند (U -)، یک هجای بلند و یک هجای کوتاه (U -) بیاورد یا برعکس. کاربرد این اختیاری شاعری کم است و تنها در تبدیل «مفتعلن» (U U -) به «مفاعلن» (U - U -) و تبدیل «مفاعلن» (U - U) به «مفتعلن» (- U U) رخ می دهد.

چاره چه خاقانی اگر، کیسه رسد به لاغری

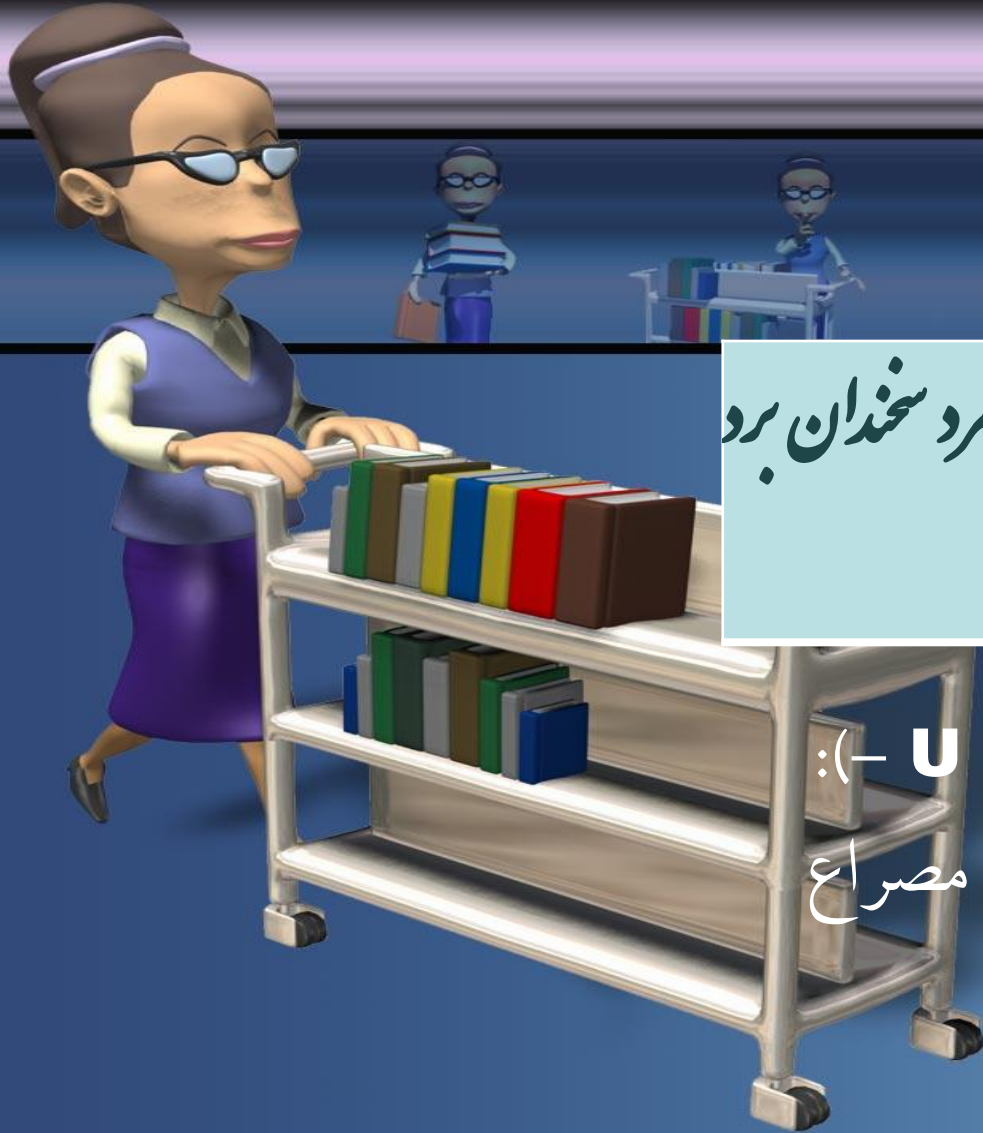
خاقانی

کیسه هنوز فربه است، با تو از آن قوی دلم

قِ وَی دِ لِم	بَا تُ آ زَان	ز قَر پ هَسَد	کِی سِ هَ نُو
- U - U	- U U -	- U - U	- U U -
مفاعلن	مفتعلن	مفاعلن	مفتعلن
بِ لا غَ رِی	کِی سِ رِ سَد	قَا نِ ی نَحْر	چَا رِ جِ خَا
- U - U	- U U -	- U U -	- U U -
مفاعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن



مثال



یک سخن از من بدان مرد سخندان برد

لیست که پیام من به شهر شروان برد

مثال برای قلب «مفتعلن» (- U U -) به «مفاعلن» (- U - U):
وزن شعر فوق «مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعلن» است؛ اما در مصراع
اول به جای «مفتعلن» دوم، «مفاعلن» آمده

۴. آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه (ابدال)

- شاعر می‌تواند به جای دو هجای کوتاه کنار هم، در میان مصراع، یک هجای بلند بیاورد.
- هر گاه تعداد هجاهای مصراعی کمتر از مصراع دیگر باشد، احتمال ابدال هست. در این صورت، دو هجای کوتاه یک مصراع، معادل هجای بلند مصراع دیگر قرار می‌گیرد.
- نکته: منظور از میان مصراع، تمام هجاهای یک مصراع، به جز مصراع اول و آخر است.
- توجه ۱: اصل، دو هجای کوتاه است. به بیان دیگر، برای نام‌گذاری وزن بیت، معیار تعیین وزن شعر، دو هجای کوتاه خواهد بود.
- توجه ۲: اختیار شاعری ابدال در دو هجای ما قبل آخر بسیار رایج است و در آن فَعْلُن (U U -) به فعلن (- -) تبدیل می‌شود و حتی در تمام مصراع‌های یک شعر ممکن است استفاده شود. هم چنین به جای ارکانی مانند فعلاتن (U U - -)، مفتعلن (- U U -) و مستفعل (U U - -)، شاعر می‌تواند بنا به ضرورت «مفعولن» (- - -) بیاورد؛ اما کاربرد این موارد کم است.



مثال

چو بشتوی سخن اهل دل مگو که خطاست

سخن شناس نه ای جان من خطا اینجاست

حافظ

کِ خَ طاست	لِ دِلِ مَ گو	سُ خَ نِ آه	چُ بَشْتِ وِی
- U U	- U - U	- - U U	- U - U
این جاست	نِ مَنَ خَ طا	س نِ ای جا	سُ خَنَ شِ نا
- U U	- U - U	- - U U	- U - U
فعلن	مفاعِلن	فعلاتِن	مفاعِلن



مثال

خانی	هَر وَ رَقِ كِ	می کوش پ
- -	U - U -	U U - -
دانی	را تَ ما م	کان دا نِش
- -	U - U -	سُ - -
فعلین	فاعلات	مستقل



مثال برای ابدال فَعْلُن (U U -) به فعلن (- -):



کافر مگر جوی زیان بینی

هر چه داری اگر به عشق دهی

مثال برای ابدال فعلاتن (U U - -) به «مفعولن» (- - -):

پشته خار همی برد به پشت

خارکش پیری با دلخ درشت

مثال برای ابدال مفتعلن (- U U -) به «مفعولن» (- - -):

گه به سپاس آمد گل پیش خار

گل به سلام چمن آمد بهار



چند مثال دیگر

بانگ رسید کیست آن؟ گفتم : من، غلام دل
و چون حدیث تو آید، سخن دراز کنم
گفتم : من می‌نخورم، گفت برای دل من

حلقه دل زدم شبی، در هوس سلام دل
حرام دارم، با مردمان سخن گفتن
عشق تو آورد قدح، پر ز بلای دل من





سپاس از نگاه گرمتان